

تعاون، سال بیست و یکم، دوره جدید، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۹

طراحی و اعتبار بخشی برنامه درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون در دوره متوسطه

شورش رحمانی^۱، دکتر مجید علی عسکری^۲، دکتر یحیی قاندي^۳

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۰/۱۳ تاریخ پذیرش: ۸۹/۸/۱۲

چکیده

پژوهش حاضر در سال ۱۳۸۸ با هدف طراحی برنامه درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون در دوره متوسطه صورت گرفته است. اهداف کلی برنامه درسی در این پژوهش بر اساس مطالعه مبانی نظری و تحقیقات انجام گرفته تدوین و پس از عبور از دو صافی فلسفه تعلیم و تربیت و روان‌شناسی یادگیری، به اهداف آموزشی تبدیل شده است. با توجه به این اهداف، رئوس محتوای برنامه درسی، راهبردهای یاددهی- یادگیری و ارزشیابی برنامه درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون مشخص گردید. روش پژوهش دارای ابعاد نظری و توصیفی- پیمایشی است. به این منظور در بعد نظری، منابع و متون تخصصی در حوزه‌های تعاون و تعلیم و تربیت (به ویژه برنامه درسی) و همچنین با استفاده از پژوهشها و تحقیقات انجام شده، عناصر اساسی برای برنامه درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون در دوره متوسطه

e-mail:shoresh62@yahoo.com

۱. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی

۲ و ۳. استادیار دانشگاه تربیت معلم

استخراج شد. در مرحله اول برای دستیابی به چارچوب مورد نظر، مبانی نظری برنامه درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون مورد مطالعه قرار گرفت. در بعد توصیفی - پیمایشی نیز پس از دستیابی به برنامه مطلوب، از نظر متخصصان برنامه درسی و کارشناسان آموزش وزارت تعاون برای اعتبارسنجی استفاده شد. به این منظور پرسشنامه‌ای فراهم آمد و در اختیار ۲۰ نفر از متخصصان برنامه‌ریزی درسی و کارشناسان آموزش تعاون قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان داد که اکثر متخصصان، اهداف آموزشی پیشنهادی، رئوس محتوا، راهبردهای یاددهی - یادگیری و روشهای ارزشیابی این پژوهش را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها:

برنامه درسی، روحیه تعاون، دوره متوسطه

مقدمه

در دهه‌های گذشته به دلیل افزایش رشد جمعیت و روند توسعه اجتماعی و اقتصادی، بر تعداد افراد تحت پوشش آموزش پایه و متقاضیان برخوردار از آموزش متوسطه و عالی افزوده شده که این امر چالشها و مسائلی را برای نظامهای آموزشی به وجود آورده است. مسائل مربوط به تأمین بودجه و هزینه‌های آموزشی، تأمین نیروی انسانی مورد نیاز، برقراری تساوی در دسترسی به آموزش، انجام کار گروهی و مشارکت جمعی و مسائل متعدد دیگر از جمله اموری هستند که نظامهای آموزشی را وادار به ایجاد اصلاحات نموده‌اند. از این رو جهتگیری برنامه‌های درسی از جمله مسائلی می‌باشد که زمینه‌ساز اصلاح و تغییر در مبانی برنامه‌ریزی درسی و چارچوب برنامه درسی ملی^۱ در بسیاری از کشورها شده است.

امروزه یکی از ابزارهای لازم برای رسیدن به توسعه در هر جامعه، میزان مشارکت افراد و گروه‌های اجتماعی در امور مختلف است. از نظر اینکلز^۲ انسان مدرن، شهروندی

1. National Curriculum

2. Enkles

مشارکت کننده و آگاه است و نسبت به انجام وظایف و کارها احساس مسئولیت می‌کند. هر اندازه آگاهی و احساس مسئولیت افراد در قبال جامعه بیشتر باشد، به همان اندازه مشارکت داوطلبانه آنان افزایش می‌یابد و آنها سهم بیشتری در توسعه جامعه خواهند داشت (فخرایی، ۱۳۸۰). در حال حاضر بسیاری از نظامهای آموزشی به دنبال ارائه دانش، مهارت و نگرشهای مورد نیاز برای مشارکت و آماده‌سازی فراگیران در برخورد با مسائل و چالشهای زندگی آتی آنان هستند و با استفاده از سیاستهای راهبردی گوناگون امکان رشد و گسترش مبانی آموزش مداوم را به عنوان فرایندی که برنامه‌های درسی تسهیل کننده آن است، فراهم می‌نمایند. علاوه بر این، تغییر روشهای تدریس و بازنگری عوامل مؤثر بر فرایند یاددهی- یادگیری موجب استفاده از روشهای فعال و مشارکتی در مدارس شده است تا دانش آموزان و معلمان بتوانند با همکاری یکدیگر، با ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی امور پیرامون خود آشنا گردند و زمینه بهبود و حتی ارتقای سطح آموزش را فراهم سازند. بدین لحاظ پژوهش در زمینه طراحی برنامه درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون^۱ به خصوص در دوره متوسطه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تعاون به مفهوم همکاری، همیاری و موفقیت خود را در گرو موفقیت دیگران دانستن است. این مفهوم سابقه در فرهنگ ملی، دینی و ایرانی داشته و به میزان عمر زندگی اجتماعی مردم ایران و ظهور دین اسلام در کشور قدمت دارد (کلباسی اصفهانی، ۱۳۷۱). نظر به اینکه نظام آموزش و پرورش ایران متأثر از فرهنگ ملی و دینی است، بنابراین، سیاستها، اهداف، اصول و خط مشی آن نیز باید به گونه‌ای طراحی شود که دانش آموزان آن در سایه برنامه‌ها و فعالیتهای آموزشی و پرورشی مدارس، به صورت افرادی مشارکت‌جو و مسئولیت‌پذیر تربیت شوند و در شکل‌گیری و توسعه روحیه تعاون در جامعه مؤثر و سهیم گردند.

یکی از مشکلات موجود در اغلب مدارس، پایین بودن میزان مشارکت دانش آموزان در امور مدرسه است. به نظر می‌رسد که برای مشارکت فعال دانش آموزان، برنامه‌ها و خط‌مشی

مناسبی وجود ندارد که بررسیها و پژوهشهای صورت گرفته در این مورد نیز مؤید همین مطلب است. در این باره بارزترین شواهد را جانسون و همکارانش (Janson & et al., 1989) جمع آوری کرده‌اند. آنها بر اساس پژوهشهای خود نتیجه گرفته‌اند پرورش روحیه تعاون در موفقیت تحصیلی و بهره‌وری به میزان قابل توجهی مؤثرتر از رقابت میان فردی و تلاش فردی است و همچنین تعاون همراه با رقابت میان‌گروهی بهتر از رقابت میان‌فردی و تلاشهای فردگرایانه است.

همچنین در سند ملی تعاون اولین محدودیت توسعه بخش تعاون، توسعه‌نیافتگی فرهنگ تعاون در جامعه و عدم شناخت توانمندیها و مزایای بخش تعاون دانسته شده است و برای رفع این محدودیت در بخش سیاستهای اجرایی در بند ۴ بخش الف، وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری موظف شده‌اند که به منظور ترویج فرهنگ تعاون در کشور نسبت به گسترش آموزشهای کلاسیک موضوعات تعاون به ویژه اصول و ارزشهای تعاون در سطوح مختلف تحصیلی اقدام نمایند (قائدی و تاجیک اسماعیلی، ۱۳۸۶).

علی‌رغم مطالب و حقایق فوق، متأسفانه امروز در مدارس و مراکز آموزشی، پرورش روحیه تعاون جدی گرفته نمی‌شود و در برنامه‌های درسی جایگاه مناسبی ندارد. نتیجه چنین وضعیتی محروم کردن دانش‌آموزان از مجموعه وسیعی از تجارب غنی پرورش روحیه تعاون است که تأثیری سازنده در بروز و بارور شدن استعداد بالقوه دارند.

با عنایت به مطالب مذکور می‌توان نتیجه گرفت که اساساً پرورش روحیه تعاون در نظام آموزشی کشور ما از یک سو با محدودیتهای نظری و فکری (فخرایی، ۱۳۸۱) و از سوی دیگر با توسعه نیافتگی فرهنگ تعاون و مشارکت مواجه است. محدودیتهای فکری و نظری در عدم اعتقاد و باور برنامه‌ریزان و مسئولان آموزشی به ضرورت و نقش روحیه تعاون در شکوفایی قابلیتها و استعدادهای مختلف دانش‌آموزان و تحقق اهداف مختلف نظام آموزشی بارز است و توسعه‌نیافتگی فرهنگ تعاون هم ناظر به عدم شناخت و توانمندیهای تعاون در نظام آموزشی می‌باشد. با توجه به غفلت از ظرفیتهای قابل توجه پرورش روحیه تعاون و نیز مشکلات

آن - که باعث شده همواره این حوزه به عنوان یک زمینه فرعی و حاشیه‌ای در دستور کار نظام آموزشی قرار گیرد- این مقاله در پی آن است تا از طریق طراحی و تدوین برنامه درسی به جایگاه و اعتبار بخشی روحیه تعاون در نظام آموزشی کمک کند.

پیشینه تحقیق

تراونن^۱ (۱۳۷۹) در مقاله‌ای با عنوان «تعاون در برنامه‌های درسی» به بیان ضرورت رواج مبحث تعاون در برنامه درسی مدارس ابتدایی، متوسطه و مؤسسات آموزشی پرداخته و در نتایج خود توجه به جنبه‌های نظری و عملی تعاون (از جمله اصول و ارزشهای تعاون) را ضروری می‌داند و بر نقش استفاده از کتب درسی مقدماتی، داستان، بازی و ترغیب دانش‌آموزان در سازماندهی و مشارکت فعال در تعاونیهای مدرسه و طرحهای عام‌المنفعه تأکید می‌نماید و نظریه تمرین تعاون را به عنوان موضوعات جانبی ضروری می‌داند.

تحقیقات لامپ و همکارانش (Lampe & et al., 1996) نشان داده است که رقابت نامناسب به زیاد شدن تفاوتها میان تواناییها و دانستیهای علمی دانش‌آموزان منجر می‌شود و آن نیز به نوبه خود می‌تواند دیدگاه‌های منفی را نسبت به جنسیت، قومیت و نژاد دیگران افزایش دهد. طبق تحقیقات این پژوهشگران، در همیاری بدون توجه به جنسیت و نژاد، نوعی حالت‌های تساوی و برابری بین اعضا در نظر گرفته می‌شود.

مطالعه آنویوبازی (Onwuebuze, 2002) نیز نشان داد دانش‌آموزانی گروه‌های مشارکتی به یادگیری می‌پردازند نسبت به کسانی که به طور انفرادی یاد می‌گیرند، پیشرفت تحصیلی و احساس مسئولیت بیشتری داشته‌اند و نسبت به مدرسه نگرش مثبتی پیدا می‌کنند. گایلیز (Gillies, 2003) با مطالعه آثار یادگیری مشارکتی روی دانش‌آموزان سوم دبیرستان که در گروه‌هایی با ساختار و بی‌ساختار مشارکتی کار می‌کردند، نشان داد دانش‌آموزان گروه‌های

باساختار مشارکتی بیشتر مشتاق بودند که روی تکالیف تعیین شده با دیگران کار کنند و نسبت به همسالان خود در گروه بی‌ساختار کمک و مساعدت بیشتری برای کار با همدیگر داشتند.

پای‌فنگ (Pai Feng, 2007) در پژوهشی به ارزیابی وضعیت موجود پروژه آموزش تعاون در مدارس متوسطه کشور تایوان برای یادگیری جمعی پرداخته است. در این پژوهش وزارت آموزش تایوان درصدد ارتقای یادگیری مادام‌العمر و مداوم است. از این رو می‌کوشند برای تمام شهروندان محیط یادگیری مناسبی را به وجود آورد. طرح یا پروژه جامع آموزش تعاون در کشور تایوان عملاً از سال ۲۰۰۱ آغاز شده و در این راستا از تمام ظرفیتهای موجود در سطح تایوان نظیر وزارت آموزش، مدارس، مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای، دانشگاه‌ها استفاده گردیده است. پژوهش حاضر وضعیت موجود اجرای طرح جامع آموزش تعاون در تایوان را به تصویر کشیده و اجرای سراسری آن را از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ گزارش کرده است.

مورای (Murray, 2007) پژوهشی با عنوان برنامه‌درسی برای تربیت تعاونی جهت پرورش دانش، ادراک و مهارتهای تعاون‌گرایانه در انگلستان انجام داده است. این سند ساختاری بنیادی برای تربیت تعاونی ارائه می‌کند و عناصر اساسی مورد نیاز برای طراحی یک برنامه را به دست می‌دهد که با نیاز اعضای تعاونی مرتبط است. روش این پروژه مبنی بر اصول مردمسالاری و مشارکتی اعضا و اصل آموزش، کارآموزی و اطلاع‌رسانی بوده که در آن یادگیری به صورت یادگیرنده‌محور است نه معلم‌محور و شاگردان در موقعیتهای ناگزیر به مطالعه، صحبت، گوش دادن، اندیشیدن یا تفکر و نوشتن، به پرورش اعضای تعاونیها می‌پردازند. جهت کمک به معلمان در استفاده از این روشها یک راهنمای آموزشی نوشته شده است که تجارب بسیاری از تعاونگران فعال را نیز آموزش و انتقال می‌دهد. شناسایی تعاون اولین عنصر در محتوای برنامه‌درسی این سند می‌باشد و این عنصر باید معطوف به پرورش درک تعاونیها به عنوان نوع متفاوت از کار و تجارت مبتنی بر ارزشها و اصول تعاونی باشد.

دومین عنصر، پرورش عضو فعالتر است تا مشارکت کنندگان تعاونیها را به عنوان سازمانهایی در نظر گیرند که مبتنی بر اعضاست. این پروژه به دنبال روشهایی است که یک عضو فعالتر را پرورش دهد و عنصر بعدی به دنبال شناسایی خانواده وسیع تعاونی و هدف آن افزایش درک شرکت کنندگان از زمینه و تنوع نهضت وسیع تعاون در اروپاست. در پایان به اقدامات برجسته تعاونیها به عنوان خودیاری و ابزاری برای جامعیت نگریسته می‌شود.

در پژوهشی دیگر الگوی جامع آموزش تعاون توسط پارکز و فانستر (Parks & Fanster, 2008) در سال ۲۰۰۸ طراحی و اعتباربخشی شده و در مجله آموزش تعاون به چاپ رسیده است. در این مطالعه یک الگوی چهار عنصری شامل توسعه حرفه‌ای، رشد و توسعه شخصی، پرورش و توسعه مهارتها، رشد و پیشرفت علمی طراحی شده است. در این راستا یک برنامه آموزش تعاون برای گروهی از مخاطبان برگزار شد و از کارآموزان یا افراد شرکت کننده خواسته شد میزان تغییراتی را که در خود در مورد هریک از محورهای فوق در طی برنامه آموزش تعاون درک و احساس می‌کنند بیان کنند. نتایج نشان داد که افراد شرکت کننده تجربیات خود از برنامه آموزش تعاون را بسیار عالی ارزیابی کرده و بر این باور بوده‌اند که دوره آموزشی ذیربط بر هر چهار محور مورد نظر تأثیر مثبت و قابل توجهی داشته است.

معافی و همکارانش (۱۳۷۹) به بررسی چگونگی وضعیت کتب درسی از نظر نحوه اشاعه و بسط تفکر کارگروهی، روحیه مشارکت‌جویی، همکاری و تعاون در دوره‌های مختلف تحصیلی و نظرخواهی از افراد صاحب‌نظر و دانش‌آموزان در این خصوص پرداخته‌اند. هدف کلی این پژوهش اشاعه و بسط تفکر گروهی، تقویت روحیه جمعی، مشارکت‌جویی، همکاری و تعاون‌گرایی از طریق برنامه‌های درسی بوده است. در این پژوهش با استفاده از شیوه توصیفی - میدانی به بررسی محتوای کتابهای درسی دوره‌های مختلف تحصیلی و نیز بهره‌گیری از افراد صاحب‌نظر و دانش‌آموزان پرداخته شده است. این محققین با استفاده از

دیدگاه صاحب‌نظران و یافته‌های تحقیق عوامل زیر را در گرایش جوانان به فعالیت تعاونی مؤثر دانسته‌اند: معرفی برخی از تعاونیهای موفق، ورزشهای گروهی و دسته‌جمعی، مشارکت در فعالیتهای سالم اجتماعی، مقایسه کار گروهی با کار فردی، گسترش مهارتهای اجتماعی مانند ارتباط با دیگران، تحمل عقاید مختلف، تصمیم‌گیری جمعی و بازدید از تعاونیها.

در پژوهشی دیگر فخرایی (۱۳۸۰) یک تحقیق پیمایشی درباره روشهای عملی جلب مشارکت دانش‌آموزان دوره متوسطه تبریز در امور آموزشی و پرورشی انجام داد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که مشارکت دانش‌آموزان دوره متوسطه در اداره مدرسه با عنایت به خصوصیات نوجوانان، اهمیت ویژه‌ای دارد و می‌تواند در افزایش اعتماد به نفس و برانگیختن حس مسئولیت آنان نقش اساسی ایفا نماید. همچنین نتایج این پژوهش نشان داده است که هر اندازه فعالیتهای جمعی در مدرسه بیشتر شود، میزان مشارکت دانش‌آموزان نیز بیشتر می‌شود و در مدرسه‌هایی که مسئولان آنها مسابقه‌هایی اعم از ورزشی، کتابخوانی و نظایر آن برگزار کرده بودند، دانش‌آموزان مشارکت بیشتری داشتند.

علمی‌یزدی (۱۳۸۴) در پژوهشی شیوه‌های آموزش تعاون در خانواده‌ها و مدارس ایرانی را بررسی کرده است. محور اصلی این پژوهش دفاع از حقوق مادی و معنوی کودکان و نوجوانانی بوده است که به علت وجود ناهماهنگی و نبود تعریفی دقیق از همکاری و مشارکت در انجمنهای مدرسه و خانه، مظلوم واقع شده‌اند. نبود تعریفی دقیق از همکاری در فرهنگ ایران باعث شده است که شیوه‌های مدیریت به صورت تکروی و فردی باقی بماند و به جای تفکر اجتماعی و نوع‌دوستی به صورت خودمحوری در فضای خانه و مدرسه حاکم باشد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد نه تنها کودکان و نوجوانان ایرانی با مفهوم واقعی شرکتهای تعاونی و مشارکت اجتماعی در خانه و مدرسه آشنا نشده‌اند، بلکه برعکس، تنها تفکر مشارکتی را می‌توان در فسادهای اخلاقی، سرقت و دیگر معضلات رایج اجتماعی که توسط آنها صورت می‌گیرد مشاهده نمود.

سپهر (۱۳۸۴) با بررسی آموزش تعاون در سازمانها به ویژه در قالب توسعه فعالیتهای گروهی، نشان داد که آموزش و توسعه رفتار همیارانه، امروزه نه به صورت فرایندی صرفاً آموزشی و بی ارتباط با دیگر فرایندها و تجارب سازمانی، بلکه به مثابه عنصری در پیوند با تحول و بهبود سازمانی شناخته می‌شود و توسعه رفتار همکاری و همیاری با توسعه خودسازمان‌دهی فردی و گروهی ارتباط داشته و بهره‌گیری از تجارب غنی در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد.

بررسی مطالعات مذکور نشان داد که اکثر تحقیقات انجام گرفته درباره روحیه تعاون و مشارکت تأثیر مثبت آنها را در افزایش رفتارهای هماهنگ و مثبت و کاهش رفتارهای منفی در دانش‌آموزان نشان می‌دهد. با این حال تحقیقات معدودی که در داخل کشور انجام یافته است بر نقش مثبت روحیه تعاون و مشارکت در مدارس اشاره کرده‌اند. لذا با توجه به اینکه برنامه درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون دارای مبانی، ویژگیها و عناصر خاص خود می‌باشد، هدف نهایی این تحقیق ارائه یک برنامه درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون براساس نیازهای دانش‌آموزان دوره متوسطه می‌باشد. بنابراین هر یک از طرحهای مورد اشاره مقاله حاضر به طراحی این برنامه کمک شایانی نموده و در مجموع می‌توان گفت از مطالعاتی در این مقاله برای پیشینه استفاده شده است که خصوصیات و رویکردهای برنامه درسی را داشته و به طراحی برنامه درسی روحیه تعاون در دوره متوسطه کمک مؤثری کرده‌اند.

مبانی نظری تحقیق

ورود به بحث برنامه درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون همانند هر برنامه درسی دیگر، بدون پرداختن به مبانی نظری نمی‌تواند از استحکام کافی برخوردار باشد. بر این اساس در این قسمت بر اساس مبانی گردآوری شده بر پایه پیشینه تحقیق، دلالت‌های آنها بر برنامه درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون مورد بحث قرار می‌گیرد و اهداف کلی این برنامه ترسیم

می‌گردد. مبانی نظری شامل چهار زیر مجموعه مبانی فلسفی، مبانی جامعه‌شناسی، مبانی روانشناختی و مبانی دانشی می‌باشد که در ادامه به طور مختصر به آنها پرداخته خواهد شد.

۱. مبانی فلسفی

برنامه‌ریزی درسی، برای سازماندهی دقیق فعالیتها و تجربیات یادگیری به منظور ایجاد تغییرات مطلوب در فراگیران، نیاز به شناخت و آگاهی از مکاتب فلسفی و بررسی دیده‌گاه‌های تربیتی آنها درباره اهداف، روشها و محتوا دارد (یارمحمدیان، ۱۳۸۱). با توجه به دلالت‌های مبانی فلسفی بر برنامه درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون در مطالعات پیشین، ۸ هدف از میان گزاره‌های فلسفی در دوره متوسطه استخراج شده است. که عبارتند از: برقراری ارتباط و احترام به فرهنگ‌های ناآشنا، آگاهانه شرکت کردن در فعالیتهای اجتماعی، ایجاد روحیه ارزش قائل شدن برای خود و دیگران، پرورش روحیه از خودگذشتگی و کمک به دیگران، پرورش روحیه مشارکت در فعالیتهای اجتماعی، تقویت روابط عاطفی و اجتماعی با دیگران، فراهم آوردن فرصتهایی برای شرکت فعالانه دانش‌آموزان، گرایش مثبت به ارزشهای اجتماعی و تعاونی.

۲. مبانی جامعه‌شناسی

بین جامعه و نظام آموزشی رابطه‌ای متقابل برقرار است. پژوهشگران در مقوله مبانی جامعه‌شناسی می‌گویند که مدرسه همانند جامعه، فرهنگ خود را دارد که این مسئله باید هنگام برنامه‌ریزی درسی مورد توجه قرار گیرد. از سویی، دانش‌آموزان افرادی هستند که در همین جامعه زندگی می‌کنند، پس برنامه درسی باید به گونه‌ای تنظیم گردد که از یک سو نیاز جامعه را برطرف سازد و از سویی نیازهای دانش‌آموزان را در نظر بگیرد. در جوامع مردمسالاری، افراد با بیان دیدگاه‌های مختلف، به عزت نفس دست می‌یابند که این خود موجب خلاقیت و موفقیت افراد و در نهایت زمینه‌ای برای توسعه کشور است (موسی پور و امیر سرداری، ۱۳۸۵، ۳۳۳). با توجه به دلالت‌های مبانی جامعه‌شناسی بر برنامه درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون در

مطالعات پیشین، ۸ هدف میان گزاره‌های جامعه‌شناسی استخراج شده است که عبارتند از: پرورش روحیه مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان، آگاه کردن از وظایف خود در مقابل دیگران، پرورش عادت به نظم و ترتیب در زندگی روزمره، درک خدمت به مردم به عنوان یک وظیفه، ایجاد علاقه به منظور مشارکت در کارهای تولیدی، درک مسئولیتهای اجتماعی، توانایی تصمیم‌گیری معقولانه و مشارکت در مسائل مدرسه، پذیرش نقش خود در جامعه.

۳. مبانی روان‌شناختی

تصمیم‌گیرندگان حوزه برنامه‌ریزی درسی بر مبنای یافته‌های روان‌شناسی می‌کوشند به برنامه‌های اثربخش‌تر دست یابند. پیوندی نزدیک بین مطالعات روان‌شناسی و برنامه‌های درسی وجود دارد. در این میان مباحث حوزه یادگیری تأثیر مستقیم و به عبارتی بیشترین تأثیر را در برنامه‌های درسی داشته است. برنامه‌ریزی درسی به مطالعه فراگیران، ویژگیها، نیازها و علایق آنها، فرایند یادگیری و عوامل مؤثر در آن از دیدگاه مکاتب مختلف روان‌شناسی نیاز دارد (یارمحمدیان، ۱۳۸۱). برپایه دلالت‌های مبانی روان‌شناختی بر برنامه درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون در مطالعات پیشین، ۷ هدف از میان گزاره‌های روان‌شناسی استخراج شده است که عبارتند از: تقویت مهارت‌های ارتباطی و جمعی از طریق فعالیتهای گروهی، درک خدمت به مردم به عنوان یک وظیفه، تقویت روحیه انتقادپذیری و تحمل عقاید دیگران، پایبندی به وظایف فردی، توانایی برای مذاکره و مشارکت با دیگران، توانایی بررسی ایده‌ها و عقاید مختلف و احترام به دیدگاه‌های متفاوت، ایجاد توانایی در دانش‌آموزان نسبت به پذیرش مسئولیت.

۴. مبانی دانشی

هر برنامه درسی با یکی از رشته‌های علمی ارتباط دارد. این ساختار که ابعادی چون مفاهیم و اصول، مهارتها و نگرشها، روش تحقیق و هدفهای خاص در آن علم بخصوص را

دارد، مبنایی برای انتخاب اهداف برنامه درسی به وجود می‌آورد که برنامه‌ریزان درسی را در این امر راهنمایی می‌کند. برای تعیین اهداف آموزشی برنامه درسی، شناخت ساختار علمی آن رشته علمی ضروری است (ملکی، ۱۳۸۷، ۴۰). از دلالت‌های مبانی دانشی بر برنامه درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون در پیشینه تحقیق، ۷ هدف از میان گزاره‌های دانشی استخراج شده است که عبارتند از: ایجاد انگیزه مثبت نسبت به کار و فعالیت اقتصادی، آشنایی با وظایف و حقوق اجتماعی، ایجاد علاقه و مطالعه در زمینه مسائل اقتصادی، آمادگی برای تجارت از طریق رشته تعاون، کمک به دانش‌آموزان برای رشد در فرایند تعاون، کسب مهارت‌های حرفه‌ای و مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، ایجاد نگرش مثبت در استفاده بهینه از هر یک از عوامل تولید.

۵. مبانی نظری به کار رفته در مطالعات پیشین

در زمینه موضوعات پرورش روحیه تعاون در برنامه درسی، تحقیقات معدود و پراکنده‌ای انجام شده که ارتباط مؤثری با همدیگر ندارند؛ البته برخی از آنها در زمینه اهداف، محتوا و یا روش‌های یاددهی-یادگیری مطالعاتی انجام داده‌اند که نتوانسته‌اند ارتباط مناسب را با سایر عناصر برنامه درسی مورد توجه قرار دهند. در خصوص تدوین یک برنامه درسی مبنی بر پرورش روحیه تعاون تنها یک پژوهش توسط قاندي و تاجیک اسماعیلی (۱۳۸۶) انجام شده است. در این مطالعه از دلالت‌های تحقیقات پیشین انجام شده بر برنامه درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون ۵ هدف استخراج شده است که عبارتند از آشنایی با مباحث و موضوعات مربوط به آموزش تعاون، مشارکت در فعالیت‌ها و طرح‌های عام‌المنفعه، یادگیری مشارکتی در فعالیت‌های جمعی، برانگیختن کار گروهی، پرورش روحیه کارآفرینی تعاون.

روش تحقیق

به طور کلی روش‌های تحقیق در علوم رفتاری را می‌توان با توجه به دو ملاک: الف) هدف تحقیق و ب) نحوه گردآوری داده‌ها تقسیم کرد. روش انجام این پژوهش از منظر

هدف، توسعه‌ای است. هدف اساسی این نوع تحقیقات تدوین یا تهیه برنامه‌ها، طرح و امثال آن است، به طوری که ابتدا موقعیت نامعین خاصی مشخص می‌گردد و بر اساس یافته‌های پژوهشی، طرح یا برنامه ویژه آن طراحی و تولید می‌شود (سرمد، حجازی و بازرگان، ۱۳۸۳). تلاش صورت گرفته در این پژوهش نیز منجر به پدید آمدن یک محصول و تولید، یا همان برنامه درسی، شده است.

روش پژوهش نیز دارای ابعاد نظری و توصیفی - پیمایشی است. به این منظور در بعد نظری این تحقیق، منابع و متون تخصصی در حوزه‌های تعاون و تعلیم و تربیت، به ویژه برنامه درسی و همچنین با استفاده از پژوهشها و تحقیقات انجام شده، عناصر اساسی برای برنامه درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون در دوره متوسطه استخراج گردیده است. در مرحله اول برای دستیابی به چارچوب مورد نظر، مبانی نظری برنامه درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون مورد مطالعه قرار گرفت. این مطالعه به روش نظری صورت پذیرفت. محقق در ابتدا نسبت به استخراج و توصیف مبانی فلسفی، روان‌شناختی، اجتماعی و دانشی برنامه درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون در دوره متوسطه اقدام نمود و با تجزیه و تحلیل مبانی مورد بحث، دلالت‌های آن بر برنامه درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون استخراج گردید که با اتکا و استناد به آن و پژوهشهای صورت گرفته، برنامه درسی مطلوب تهیه و طراحی شده است.

در بعد توصیفی - پیمایشی نیز پس از دستیابی به برنامه مطلوب، از نظر متخصصان برنامه درسی و کارشناسان آموزش وزارت تعاون برای اعتبارسنجی استفاده شده است. منظور از اعتبارسنجی برنامه درسی استفاده از نظر و دیدگاه متخصصان برنامه درسی و موضوع درسی می‌باشد. در این مورد، ارزش و اثربخشی برنامه درسی از زوایای متعدد برنامه شامل اهداف، رئوس محتوا، روشهای تدریس و ارزشیابی سنجیده می‌شود. برای مثال ارزش یک برنامه

درسی به وسیله متخصصان برنامه‌ریزی درسی یا متخصصان موضوع درسی ارزشیابی می‌شود (سیف، ۱۳۸۳).

جامعه آماری این پژوهش متخصصین برنامه‌درسی و کارشناسان آموزش وزارت تعاون می‌باشند. با توجه به اینکه طراحی برنامه‌درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون به تخصص برنامه‌ریزی درسی و تعاون به طور توأم نیاز دارد، بنابراین افرادی که در این دو رشته علمی دانش و اطلاعات لازم را داشتند، به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند.

اعتبارسنجی برنامه‌درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون نیز به طور موازی به تخصصهای تعاون و برنامه‌ریزی درسی نیاز دارد (کیامنش، ۱۳۸۱)؛ بنابراین در ابتدا ۵۰ درصد نمونه آماری به متخصصان برنامه‌ریزی درسی و ۵۰ درصد به متخصصان تعاون اختصاص یافته است. به این منظور با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند ۱۰ نفر از متخصصان آموزش تعاون و ۱۰ نفر از متخصصان برنامه‌ریزی درسی انتخاب شدند.

برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات روشهای مختلفی وجود دارد. عده‌ای روشهای گردآوری داده‌ها را به دو طبقه کلی تقسیم‌بندی می‌کنند: الف) روشهای کتابخانه‌ای و اسنادی و ب) روشهای میدانی (نادری و سیف نراقی، ۱۳۸۵). در این پژوهش در مرحله طراحی برنامه درسی اطلاعات و داده‌های مورد نیاز به شیوه کتابخانه‌ای جمع‌آوری شد. از این رو با مراجعه به منابع و اسناد مکتوب داخلی و خارجی، اطلاعات مورد نیاز این مرحله از پژوهش جمع‌آوری گردید. در مرحله اعتبارسنجی اطلاعات و داده‌های مورد نیاز به شیوه مطالعات میدانی و جمع‌آوری داده به وسیله پرسشنامه پیش‌بینی شده، صورت گرفت.

- بنابراین در پژوهش حاضر ابزار گردآوری اطلاعات شامل موارد زیر است:

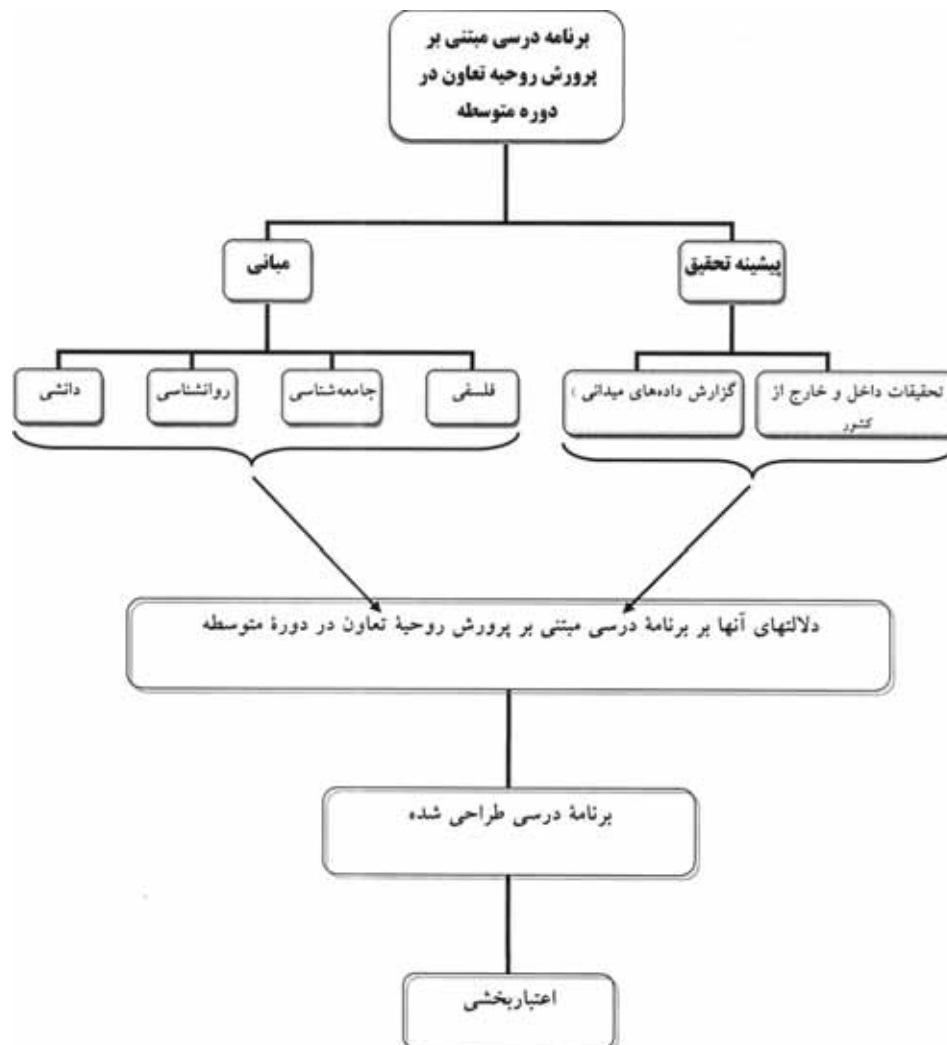
- فیشهای مطالعاتی؛

- خلاصه اسناد و مدارک (شامل فرم خلاصه کتاب، فرم خلاصه مقالات، گزارشهای

پژوهشی و فرم استخراج مقولات برنامه‌درسی)؛

- پرسشنامه محقق ساخته برای اعتباربخشی برنامه درسی طراحی شده. به هر روی در ابتدا برنامه درسی طراحی شد و سپس با استفاده از پرسشنامه‌ای حاوی ویژگیهای عناصر برنامه درسی، دیدگاه‌های پیشنهادی پرسش شوندگان اخذ و جمع‌بندی این پرسشنامه بر اساس چهار عنصر برنامه درسی (اهداف، رئوس محتوا، روشهای یاددهی - یادگیری و ارزشیابی) صورت‌بندی گردید و این مجموعه سؤاها بر اساس مقیاس لیکرت تنظیم شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها با توجه به ماهیت سؤالهای تحقیق حاضر به دو شیوه کمی (آماري) و کیفی (تفسیری) صورت گرفت. از روش کیفی برای برداشت از نتایج تجزیه و تحلیل اسناد پژوهشی و ادبیات نظری بهره گرفته شد و از روش آماری برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از نظرخواهی جهت اعتبار بخشی برنامه درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون استفاده گردید. در واقع داده‌های حاصل از نظرخواهی با استفاده از روش آماری توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. خلاصه‌ای از مراحل تحقیق در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. خلاصه‌ای از مراحل تهیه روش تحقیق

نتایج و بحث

همان گونه که بیان شد، برای اعتبارسنجی برنامه درسی طراحی شده، متخصصان برنامه‌ریزی درسی و کارشناسان آموزش وزارت تعاون انتخاب شدند و از طریق پرسشنامه دیدگاه‌های آنان در زمینه برنامه درسی طراحی شده جمع‌آوری گردید. سؤالات مطرح شده و جمع‌بندی مباحث به صورت جدول ۱ است.

جدول ۱. میانگین نمره درصدی اهداف برنامه درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون بر اساس دیدگاه‌های متخصصان

میانگین نمره	میانگین درصد	جمع		کم (۱)		کم (۲)		متوسط (۳)		زیاد (۴)		بسیار زیاد (۵)		میزان ارتباط و مناسب اهداف آموزشی برنامه درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون یا دوره متوسطه
		درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۴/۴	۸۸	۱۰۰	۲۰	۰	-	۰	-	۵	۱	۵۰	۱۰	۲۵	۴	درک مسئولیت‌های اجتماعی
۴/۱۵	۸۳	۱۰۰	۲۰	۰	-	۵	۱	۲۰	۴	۳۰	۶	۲۵	۴	آشنایی با مباحث و موضوعات مربوط به آموزش تعاون
۴/۰۰	۸۰	۱۰۰	۲۰	۰	-	۵	۱	۱۵	۳	۵۵	۱۱	۲۵	۵	یادگیری مشارکت در فعالیتهای جمعی
۴/۰۵	۸۱	۱۰۰	۲۰	۰	-	۰	-	۳۵	۷	۲۵	۵	۴۰	۸	برانگیختن کار گروهی
۴/۰۰	۸۰	۱۰۰	۲۰	۰	-	۵	۱	۲۵	۵	۲۵	۹	۲۵	۵	تقویت روابط عاطفی و اجتماعی با دیگران
۳/۹۵	۷۹	۱۰۰	۲۰	۰	-	۰	-	۳۰	۶	۲۵	۹	۲۵	۵	مشارکت در فعالیتهای طرحهای عام‌المنفعه
۴/۰۰	۸۰	۱۰۰	۲۰	۰	-	۵	۱	۲۰	۴	۲۵	۹	۳۰	۶	ایجاد نگرش مثبت به مسائل اجتماعی و تعاون
۳/۸۰	۷۶	۱۰۰	۲۰	۰	-	۵	۱	۳۰	۶	۲۵	۹	۲۰	۴	پذیرش نقش خود در جامعه
۳/۸۰	۷۶	۱۰۰	۲۰	۰	-	۰	-	۲۵	۹	۳۰	۶	۲۵	۵	ایجاد روحیه تقدیرپذیری و تحمل عقاید دیگران
۴/۰۰	۸۰	۱۰۰	۲۰	۰	-	۵	۱	۲۵	۵	۳۵	۷	۳۵	۷	آشنایی با حقوق و وظایف اجتماعی
۳/۹۰	۷۸	۱۰۰	۲۰	۰	-	۱۰	۲	۱۵	۳	۶۰	۱۲	۱۵	۳	کمک به دانش آموزان برای رشد در فرایند تعاون
۴/۰۰	۸۰	۱۰۰	۲۰	۰	-	۰	-	۲۵	۵	۵۰	۱۰	۲۵	۵	قدرشناسی در برابر خدمت دیگران
۴/۱۰	۸۲	۱۰۰	۲۰	۰	-	۵	۱	۱۵	۳	۲۵	۹	۳۵	۷	درک خدمت به مردم به عنوان یک وظیفه
۳/۸۰	۷۶	۱۰۰	۲۰	۰	-	۵	۱	۳۵	۷	۳۵	۷	۲۵	۵	پرورش روحیه کارآفرینان تعاون

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۱ وضعیت ۱۴ هدف آموزشی برنامه درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون در دوره متوسطه را از دیدگاه پاسخ‌دهندگان نشان می‌دهد. همان‌طور که پیداست، بیشتر پاسخ‌دهندگان اهداف پیشنهادی را در حد مطلوب و نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

برپایه این جدول، ۴۵ درصد از پاسخ‌دهندگان هدف درک مسئولیتهای اجتماعی را بسیار زیاد، ۵۰ درصد زیاد و ۵ درصد متوسط ارزیابی کرده‌اند. به طور کلی ۸۸ درصد از پاسخ‌دهندگان با میانگین نمره ۴/۴، این هدف را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

۴۵ درصد از پاسخ‌دهندگان هدف آشنایی با مباحث و موضوعات مربوط به آموزش تعاون را بسیار زیاد، ۳۰ درصد زیاد، ۲۰ درصد متوسط و ۵ درصد کم ارزیابی کرده‌اند. به طور کلی ۸۳ درصد از پاسخ‌دهندگان با میانگین نمره ۴/۱۵، این هدف را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

۲۵ درصد از پاسخ‌دهندگان هدف یادگیری مشارکت در فعالیتهای جمعی را بسیار زیاد، ۵۵ درصد زیاد، ۱۵ درصد زیاد و ۵ درصد کم ارزیابی کرده‌اند. به طور کلی ۸۰ درصد از پاسخ‌دهندگان با میانگین نمره ۴، این هدف را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

۴۰ درصد از پاسخ‌دهندگان هدف برانگیختن کار گروهی را بسیار زیاد، ۲۵ درصد زیاد و ۳۵ درصد متوسط ارزیابی کرده‌اند. به طور کلی ۸۱ درصد از پاسخ‌دهندگان با میانگین نمره ۴/۰۵، این هدف را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

۲۵ درصد از پاسخ‌دهندگان هدف تقویت روابط عاطفی و اجتماعی با دیگران را بسیار زیاد، ۴۵ درصد زیاد، ۲۵ درصد متوسط و ۵ درصد کم ارزیابی کرده‌اند. به طور کلی ۸۰ درصد از پاسخ‌دهندگان با میانگین نمره ۴، این هدف را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

۲۵ درصد از پاسخ‌دهندگان هدف مشارکت در فعالیتهای عام‌المنفعه را بسیار زیاد، ۴۵ درصد زیاد و ۳۰ درصد متوسط ارزیابی کرده‌اند. به طور کلی ۷۹ درصد از پاسخ‌دهندگان با میانگین نمره ۳/۹۵، این هدف را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

۳۰ درصد از پاسخ‌دهندگان هدف ایجاد نگرش مثبت به مسائل اجتماعی و تعاون را بسیار زیاد، ۴۵ درصد زیاد، ۲۰ درصد متوسط و ۵ درصد کم ارزیابی کرده‌اند. به طور کلی ۸۰ درصد از پاسخ‌دهندگان با میانگین نمره ۴، این هدف را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

۲۰ درصد از پاسخ‌دهندگان هدف پذیرش نقش خود در جامعه را بسیار زیاد، ۴۵ درصد زیاد، ۳۰ درصد متوسط و ۵ درصد کم ارزیابی کرده‌اند. به طور کلی ۷۶ درصد از پاسخ‌دهندگان با میانگین نمره ۳/۸۰، این هدف را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

۲۵ درصد از پاسخ‌دهندگان هدف کسب روحیه نقدپذیری و تحمل عقاید دیگران را بسیار زیاد، ۳۰ درصد زیاد و ۴۵ درصد متوسط ارزیابی کرده‌اند. به طور کلی ۷۶ درصد از پاسخ‌دهندگان با میانگین نمره ۳/۸۰، این هدف را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

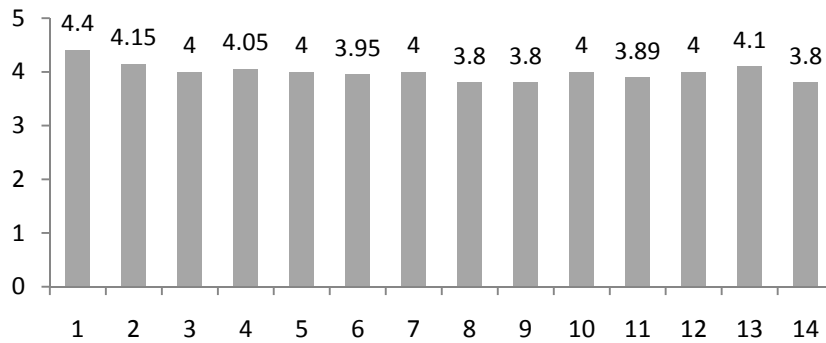
۳۵ درصد از پاسخ‌دهندگان هدف آشنایی با حقوق و وظایف اجتماعی را بسیار زیاد، ۶۰ درصد نسبتاً زیاد و ۵ درصد متوسط ارزیابی کرده‌اند. به طور کلی ۸۰ درصد از پاسخ‌دهندگان با میانگین نمره ۴، این هدف را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

۱۵ درصد از پاسخ‌دهندگان هدف کمک به دانش‌آموزان برای رشد در فرایند تعاون را بسیار زیاد، ۶۰ درصد زیاد، ۱۵ درصد متوسط و ۱۰ درصد کم ارزیابی کرده‌اند. به طور کلی ۷۸ درصد از پاسخ‌دهندگان با میانگین نمره ۳/۹۰، این هدف را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

۲۵ درصد از پاسخ‌دهندگان هدف قدرشناسی در برابر خدمت دیگران را بسیار زیاد، ۵۰ درصد متوسط و ۲۵ درصد متوسط ارزیابی کرده‌اند. به طور کلی ۸۰ درصد از پاسخ‌دهندگان با میانگین نمره ۴، این هدف را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

۳۵ درصد از پاسخ‌دهندگان هدف درک خدمت به مردم به عنوان یک وظیفه را بسیار زیاد، ۴۵ درصد زیاد، ۱۵ درصد متوسط و ۵ درصد کم ارزیابی کرده‌اند. به طور کلی ۸۲ درصد از پاسخ‌دهندگان با میانگین نمره ۴/۱۰، این هدف را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

۲۵ درصد از پاسخ‌دهندگان هدف پرورش روحیه کارآفرینی تعاون را بسیار زیاد، ۳۵ درصد زیاد، ۳۵ درصد متوسط و ۵ درصد کم ارزیابی کرده‌اند. به طور کلی ۷۶ درصد از پاسخ‌دهندگان این هدف را با میانگین نمره ۳/۸۰، نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند. نمودار ۱، وضعیت فوق را نشان می‌دهد.



اهداف برنامه درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون در دوره متوسطه

نمودار ۱. توزیع فراوانی میزان تناسب اهداف برنامه درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون بر اساس دیدگاه‌های متخصصان

۱. درک مسئولیت‌های اجتماعی، ۲. آشنایی با مباحث و موضوعات مربوط به آموزش تعاون، ۳. یادگیری مشارکت در فعالیتهای جمعی، ۴. برانگیختن کار گروهی، ۵. تقویت روابط عاطفی و اجتماعی با دیگران، ۶. مشارکت در فعالیتها و طرحهای عام‌المنفعه، ۷. ایجاد نگرش مثبت به مسائل اجتماعی تعاونی، ۸. پذیرش نقش خود در جامعه، ۹. کسب روحیه نقدپذیری و تحمل عقاید دیگران، ۱۰. آشنایی با حقوق و وظایف اجتماعی، ۱۱. کمک به دانش‌آموزان برای رشد در فرایند تعاون، ۱۲. قدرشناسی در برابر خدمت دیگران، ۱۳. درک خدمت به مردم به عنوان یک وظیفه، ۱۴. پرورش روحیه کارآفرینی تعاون.

بر اساس جدول ۲، ۳۰ درصد از پاسخ‌دهندگان اهداف کلی برنامه درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون در دوره متوسطه را بسیار زیاد، ۶۵ درصد زیاد و ۵ درصد متوسط ارزیابی کرده‌اند. به طور کلی ۸۵ درصد از پاسخ‌دهندگان با میانگین نمره ۴/۲۵، این مؤلفه را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

۱۰ درصد از پاسخ‌دهندگان کفایت اهداف این برنامه را بسیار زیاد، ۴۵ درصد بسیار زیاد، ۳۵ درصد متوسط و ۱۰ درصد کم ارزیابی کرده‌اند. به طور کلی ۷۲ درصد از پاسخ‌دهندگان با میانگین نمره ۳/۶۳، این مؤلفه را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

۱۵ درصد از پاسخ‌دهندگان اهداف پالایش شده را بسیار زیاد، ۷۰ درصد زیاد و ۱۵ درصد متوسط ارزیابی کرده‌اند. به طور کلی ۸۰ درصد از پاسخ‌دهندگان با میانگین نمره ۴، این مؤلفه را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

۵ درصد از پاسخ‌دهندگان کفایت اهداف پالایش شده را بسیار زیاد، ۵۵ درصد زیاد، ۳۵ درصد متوسط و ۵ درصد کم ارزیابی کرده‌اند. به طور کلی ۷۲ درصد از پاسخ‌دهندگان با میانگین نمره ۳/۶۰، این مؤلفه را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

۵ درصد از پاسخ‌دهندگان بیان جزئی هدفها را بسیار زیاد، ۴۰ درصد زیاد و ۵۵ درصد متوسط ارزیابی کرده‌اند. به طور کلی ۶۹ درصد از پاسخ‌دهندگان با میانگین نمره ۳/۴۵، این مؤلفه را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

۵ درصد از پاسخ‌دهندگان رئوس محتوای برنامه درسی پیشنهادی را بسیار زیاد، ۶۵ درصد زیاد و ۳۵ درصد متوسط ارزیابی کرده‌اند. به طور کلی ۷۵ درصد از پاسخ‌دهندگان با میانگین نمره ۳/۷۵، این مؤلفه را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

۱۰ درصد از پاسخ‌دهندگان راهبردهای یاددهی- یادگیری برنامه را بسیار زیاد، ۵۵ درصد زیاد و ۳۵ درصد متوسط ارزیابی کرده‌اند. به طور کلی ۷۵ درصد از پاسخ‌دهندگان با میانگین نمره ۳/۷۵، این مؤلفه را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

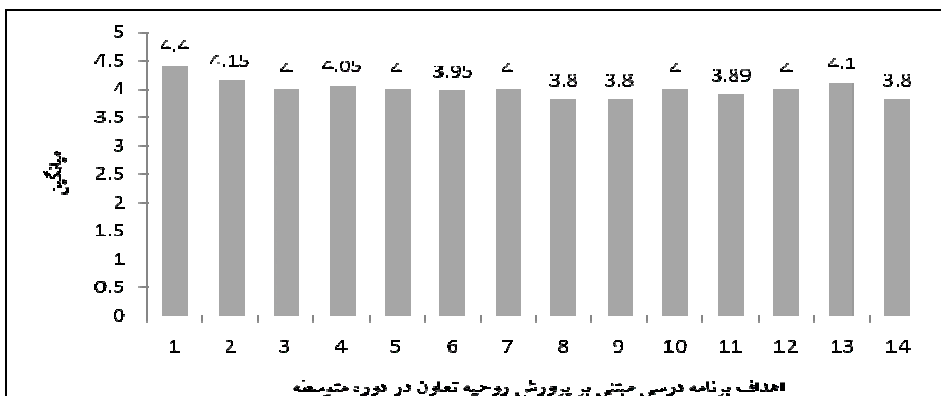
۱۰ درصد از پاسخ‌دهندگان روشهای ارزشیابی برنامه درسی پیشنهادی را بسیار زیاد، ۵۰ درصد زیاد و ۴۰ درصد آن را متوسط ارزیابی کرده‌اند. به طور کلی ۷۴ درصد از پاسخ‌دهندگان با میانگین نمره ۳/۷۰، این مؤلفه را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند. نمودار ۲، وضعیتهای پیشگفته را نشان می‌دهد.

جدول ۲. میانگین نمره درصدی مؤلفه‌های برنامه درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون بر

اساس دیدگاه‌ها متخصصان

میانگین نمره	میانگین درصد	جمع		بسیار کم (۱)		کم (۲)		متوسط (۳)		زیاد (۴)		بسیار زیاد (۵)		میزان تناسب مؤلفه‌های پیشنهادی برنامه درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون در دوره متوسطه
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	
۴/۲۵	۸۵	۱۰۰	۲۰	-	-	۰	-	۷۵	۱	۶۵	۱۳	۳۰	۶	هدفهای کلی برنامه درسی
۳/۶۳	۷۲	۱۰۰	۲۰	-	-	۱۰	۲	۳۵	۷	۴۵	۹	۱۰	۲	کفایت هدفهای کلی برنامه درسی
۴/۰۰	۸۰	۱۰۰	۲۰	-	-	-	-	۱۵	۳	۷۰	۱۴	۱۵	۳	هدفهای پالایش شده برنامه درسی
۳/۶۰	۷۲	۱۰۰	۲۰	-	-	۵	۱	۳۵	۷	۵۵	۱۱	۵	۱	کفایت هدفهای پالایش شده
۳/۴۵	۶۹	۱۰۰	۲۰	-	-	-	-	۵۵	۱۱	۴۰	۹	۵	۱	بیان جزئی هدفها
۳/۷۵	۷۵	۱۰۰	۲۰	-	-	-	-	۳۰	۶	۶۵	۱۳	۵	۱	رتوس محتوای برنامه درسی
۳/۷۵	۷۵	۱۰۰	۲۰	-	-	-	-	۳۵	۷	۵۵	۱۱	۱۰	۲	روشهای تدریس (یاددهی - یادگیری)
۳/۷۰	۷۴	۱۰۰	۲۰	-	-	-	-	۴۰	۸	۵۰	۱۰	۱۰	۲	روشهای ارزشیابی

مأخذ: یافته‌های تحقیق



نمودار ۲. توزیع فراوانی میزان تناسب مؤلفه‌های برنامه درسی مبتنی بر پرورش روحیه

تعاون بر اساس دیدگاه‌های متخصصان

۱. هدفهای کلی برنامه درسی، ۲. کفایت هدفهای کلی برنامه درسی، ۳. هدفهای پالایش شده، ۴. کفایت

هدفهای پالایش شده، ۵. بیان جزئی هدفها، ۶. رتوس محتوای برنامه درسی، ۷. روشهای یاددهی - یادگیری،

۸. روشهای ارزشیابی

نتیجه گیری و پیشنهاد

در این پژوهش با توجه به نیازهای فراگیران در دوره متوسطه، اهداف آموزشی برنامه درسی مبتنی بر پرورش روحیه تعاون در این دوره مشخص و سپس بر اساس طبقه‌بندی بلوم، اهداف در سه حیطه شناختی، عاطفی و روانی- حرکتی قرار گرفته‌اند. در نهایت بر اساس این اهداف، رئوس محتوا، راهبردهای یاددهی - یادگیری و ارزشیابی نیز تعیین شده‌اند.

یافته‌های تحقیق حاصل از اعتبارسنجی حاکی از آن است که ۷۲ درصد از متخصصان برنامه‌ریزی درسی و کارشناسان آموزش وزارت تعاون اهداف پیشنهادی را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند، ۷۵ درصد از پاسخ دهندگان رئوس محتوا و راهبردهای یاددهی - یادگیری و ۷۴ درصد نیز روشهای ارزشیابی را نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند. بنابراین، تقویت حس تعاون و مشارکت از جمله اهداف تعلیم و تربیت به حساب می‌آید. تجارب، یافته‌ها و تحقیقات اشاره شده در این پژوهش نشان می‌دهند که ایجاد رقابت در میان فراگیران نه تنها زمینه تحقق چنین اهدافی را فراهم نمی‌سازد، بلکه مانع نیل به این اهداف نیز می‌شود. رقابت در میان فراگیران پیامدهای منفی فراوانی دارد که از مهمترین آنها می‌توان به تضعیف روابط عاطفی میان فراگیران، کاهش اعتماد به نفس در دانش‌آموزان، ناآگاهی فراگیران از تواناییهای قابلیت‌های شخصی و تضعیف روحیه همکاری و مشارکت اشاره کرد. لذا مدارس باید به دانش‌آموزان کمک کنند تا یاد بگیرند که چگونه با دیگران در طرحهای مهم مشارکت داشته باشند. فرایند همکاری و مشارکت با دیگران به پیدایش افکار جدید و رشد مهارت اجتماعی مورد توجه در یک جامعه مردمسالار منجر می‌شود. مدارس باید فرصتهای فراوانی را برای این فعالیتها فراهم و اشکالی از یادگیری را تشویق کنند که موجب پیشبرد و تحقق این فعالیتها می‌شود. در دوره‌ای که به نظر می‌رسد حس تعلق به اجتماع در حال از بین رفتن است، فراهم کردن فرصتهایی از طریق کارهای گروهی در مدارس از اهمیت خاصی برخوردار است.

منابع

۱. تراونن، م. (۱۳۷۹)، تعاون در برنامه‌های درسی، ترجمه مرجانه سلطانی، فصلنامه همیار، سال دوم، شماره پنجم، صص ۱۶۶-۱۶۴.
۲. سپهر، ح. (۱۳۸۴)، یادگیری تعاون، مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی تعاون، اشتغال و توسعه، صص ۴۱۱-۴۲۲، انتشارات دانشگاه یزد، یزد.
۳. سیف، ع.ا. (۱۳۸۳)، روشهای اندازه گیری و ارزشیابی آموزشی، نشر دوران، تهران.
۴. علوم‌ی‌زدی، م. (۱۳۸۴)، شیوه‌های آموزش تعاون در خانواده و مدارس ایران، مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی تعاون، اشتغال و توسعه، صص ۱۷۱-۱۸۱، انتشارات دانشگاه یزد، یزد.
۵. فخرایی، س. (۱۳۸۰)، بررسی روش‌های عملی جلب مشارکت دانش‌آموزان دوره متوسطه تبریز در امور آموزشی و پرورشی، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۶۷، صص ۳۹-۶۰.
۶. قائدی، ی. و ع. تاجیک‌اسماعیلی (۱۳۸۶)، تدوین برنامه درسی برای پرورش روحیه تعاونی، گزارش پژوهشی، معاونت تحقیقات و آموزش وزارت تعاون.
۷. کرامتی، م. ر. (۱۳۸۰)، رقابت یا رفاقت در کلاس درس، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، سال سی و یکم، شماره ۲: ۱۳۹-۱۵۶.
۸. کلباسی اصفهانی، ع.ا. (۱۳۷۱)، نقش تعاونی‌های آموزشگاهی در نظام اقتصادی ایران، انتشارات ثمره، تهران.
۹. کیامنش، ع. ر. (۱۳۸۱) نمونه‌گیری در پژوهش‌های علوم رفتاری، حسین رحمان سرشت (گردآورنده)، سالنامه پژوهش و ارزشیابی در علوم اجتماعی و رفتاری (جلد اول)، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
۱۰. معافی، م.؛ غ. شهرپور؛ غ. سلیم و ح. دهگاهی (۱۳۷۹)، چگونگی وضعیت کتب درسی از نظر نحوه اشاعه و بسط تفکر کار گروهی، روحیه مشارکت جویی و تعاون در دوره‌های مختلف تحصیلی، گزارش پژوهشی، وزارت تعاون.
۱۱. ملکی، ح. (۱۳۸۷)، مبانی برنامه‌ریزی درسی آموزش متوسطه «انتشارات سمت، تهران».
۱۲. موسی‌پور، ن. (۱۳۸۲)، مبانی برنامه‌ریزی آموزش متوسطه، انتشارات به‌نشر، مشهد.

۱۳. موسی‌پور، ن. و امیرسرداری، ف. (۱۳۸۵) مبانی برنامه درسی، جمعی از مؤلفان (گردآورنده)، علوم تربیتی (۳۳۱-۳۷۲)، انتشارات سمت، تهران.
۱۴. نادری، ع. و م. سیف‌نراقی (۱۳۸۵) روشهای تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی (با تأکید بر علوم تربیتی)، انتشارات ارسباران، تهران.
۱۵. یار محمدیان، م. ح. (۱۳۸۱)، اصول برنامه ریزی درسی، انتشارات یادواره کتاب.
16. Gillies, M. R. (2003), The effect of cooperative learning on junior high school student during small group, *Journal of learning and Instruction* , 197-213.
17. Lampe, J., & G. Rooze (1996), Effects of cooperative Learning among Hispanic Student in Secondary Social Studies, *The Journal of Educational Research* , 187-196.
18. Murray, P. (2007), Citizenship Education and youth participation in democracy, *British Journal of Educational Studies*, 55: 325- 345.
19. Onwuebzue, A. (2002), Relationship between peer orientation and achievement cooperative learning – based research, *Journal of Educational Research* , 50-62.
20. Pai Feng, D. (2007), Current Status of the National Cooperative Education Project in, *Journal Cooperative Education and Internships* , 41: 12-34.
21. Parks, D. & M. Fanster (2008), The four component model of cooperative education, *Journal of Cooperative Education and Internships* , 42: 41-49.